

مدیر کل

جلال‌الدین الحسینی مؤبدالاسلام
ساحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیة (جبل‌المتین)

عنوان مراسلات
طهران خیابان لاله زار
نائب مدیر میرزا سید حسن کاشانی

غیر از روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیة

جبل‌المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۳ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

قیمت يك نسخه
در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان سطر
دو قران است

روزنامه یومیة ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

با امضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است

سه شنبه ۲۳ ربیع الاول ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۷ اردی بهشت ماه جلالی ۸۲۹ و ۷ مه ۱۹۰۷ میلادی

آبادی مایه آزادیست

در نمره های سابق بمرض رسانیدیم که حیات و قومیت و ملکیت ما در این قطعه خاک که ایران میگویند موقوف است بآبادی آن یعنی اگر ما مملکت را آباد کنیم و برزخایف و احکام اولیای آدمیت رفتار نماییم ملکمان متعلق بخودمان خواهد بود دست کسی بطرف خانه و لانه ما دراز نخواهد شد. منافع و فوائد زیاد که از این خاک بعمل میاید مخصوص خود ایرانی خواهد بود. خانه دست صاحب خانه باقی خواهد ماند. سجلات محکم از مجامع آدمیت بر حقیقت و ملکیت ما صادر گشته احدی یدرامون ما نخواهد گردید اگر هم کسی سوء قصدی در حق ما داشته باشد. آدمیان حق پرست حامی و طرفدار ما خواهند بود.

اما اگر از تعمیر خانه کوتاهی کنیم و در رفع خرابی نکوشیم بهرآ ضرر این خرابی بهمسایبها وارد شده گرد خاک و کثافت ما آنها را اذیت خواهد نمود. و از طرف محکمه اولیای آدمیت حکم بهمسایبها خواهند فرمود که بروید این خانه را که فریادش بلند است از چنگل این مخربان اساس عمران بدر آید که مادر جزاء این بدکاری و ویرانی حقوق ثابته آنها را ساقط کردیم بلکه خودشانرا نیز از دائره آدمیان خارج نمودیم. دیگر اسم انسان بروی این وحشیان نهادن صحیح نیست و عنوان آدم از القاب چنین کسان برداشته شده است. خوب آنوقت همسایبها چگونه با ما سلوک خواهند کرد؟ همانطور که با سیاهان مرکز افریقا و امریکا سلوک میکنند. بدون کم و زیاد ما را در قطار آنها

آورده همان نظری که بانها دارند بهماهم خواهند داشت بهمان چشم ما را خواهند دید. چه کار خواهند کرد؟ ما را مثل حیوانات بهائم زیر بار خواهند نمود چنانکه گاو را بشخم کردن وامیدارند و دو چوبه برگردنش مینهند اگر بی ادبی نباشد برگردن ما خواهند گذاشت و بزراعت مشغول خواهند نمود. چه طور که سیاههارا از افریقا گرفته با کشتی حمل بامریکا نموده در زراعت و استخراج معادن باز میداشتند ما را همان ترتیب بعمله کی و کارگری وادار خواهند نمود بقدر قوت لایموت بما از خوراکیهای ناگوار خواهند داد که زنده بمانیم و کارشانرا راه میاندازیم. بآندک کنندی و تکاهل از همان زنجیرها و شلاقها که سوراچیان دیده اید در دست دارند اوقات ما را تلخ کرد. چنانچه گمان خواهند نمود. بلا تشبیه در مثل مناقشه نیست مثل شیر باید برای اربابان کار بکنیم زمام خود را در دست آنها داده بدون چون و چرا گرده زیر بار بدهیم دیگر نخواهندگفت اینها فرزندان سلاطین کیانند یا اخلاف ساسانیان. استخوان پوسیده رستم و کیسکوس بدرد ما نخواهد خورد. شاهنشاهی کیخسرو و سیروس و داریوش افاقه بذلت ما نخواهد بخشید. آثار قدیم تخت جمشید و سوس (شوشتر) ما را از مهلکه نجات نخواهد داد. توار بیخ عهد قدیم که همه از قدرت و شوکت اسلاف ما پر است دردی از دل ما بر نخواهد داشت.

حرف حسابی آنها چیست؟ حرف شان اینست که اگر شما اخلاف آن اسلاف بزرگ بودید شیوه و روش آنها را از دست نمیدادید. برقرار و کردارشان اقتداء

و پیروی میکردید. تخت جمشید را که آثار عظمت گذشتگان بود خراب نمینمودید. آثار عتیقه شوش را برایگان فرانسه ها نمیبخشیدید همان قسم که آنها دیباچه دفتر آدمیت را بنام گرامی خود زینت دادند لا اقل شما هم اسم خود را در یکی از او راق دفتر انسانیت ثبت میکردید.

تا در ترد محکمه آدمیت مقصر نشوید و از دانه آدمیت خارجتان نکنند. چرا باید این قدر در حق این خانه ظلم و ستم روا دارید و تیشه و طبره بیل و کلنگ بدست گرفته بنیان سعادت خود را متزلزل و منهدم کنید و همسایه گان را بتنگ بیاورید تا هم خانه و هم مجاورین این خانه شکایت شمارا در محکمه اولیاء آدمیت برده از حرکتان تظلم نمایند؟

پس تا اینجا فهمیدیم باید ایران را آباد کرده موافق اصول و قواعد آبادی این عهد مستحق زندگی بسازیم. خوب اینکار را چه جور باید کرد و از کدام راه باید داخل شد؟ بجهت توضیح این فتره مقدمه لازم است عرض کنیم تا درست ملتفت شوید و علاج کار را بدست بیاورید.

همه کس در نظر اول میدانند که اموال و ثروتی که در دنیا هست همه اثر زحمت بنی آدم و حاصل کار آنهاست. درست است بعضی حبوب و میوجات طبیعی است که در صحراها و جنگلها بعمل میآیند. لکن آنها چندان کم و نا قابل است که ابد کفای عشری از ساکنان این کوره خاکی را نمیتواند ببالوه چنان جنگلی و بری است که غالباً قابل استعمال و مصرف نیست اگر هندوانه را در بستان نکارند و مواظبت و دقت در تربیتش نکنند بی شبهه بعد از چندی (هندوانه ابوجهل) خواهد شد تلخ و تند که ابداً صلاحیت خوردن نخواهد داشت. اگر چه اصل تمام اشجار و حبوبات بستانی را از صحرا و جنگل پیدا کرده اند لکن آن درجه تفاوت پیدا کرده و از حالت اولیه ترقی نموده است که شباهتی با وضع اولی خود ندارد. بینه مثل انسان متمدن و وحشی حاصله آنکه بنی آدم اسباب معاش و لوازم زندگی و تدارکات راحت را باید خود فراهم کند کسی از خارج چیزی وارد این کوره نخواهد کرد. ساکنین کوره مریخ و عطارد از اینجا غذا بخته و مرغ بریان کرده برای ما نخواهند آورد (لیس للانسان الا ما سوی) آدم باید سعی و کوشش کند جد و جهد نماید تا لقمه نانی بدست آورد. تفاوت و اختلاف در ثروت که یک ملتی زیاد و قومی دیگر کم دارند سببی ندارد مگر همان کمی و زیادتی کار هر قومیکه کوشش و جهدشان بیشتر است لامحاله ثروت و مالشان زیاد تر است و آنها که تنبل و بیکار اند فقیر و بی بضاعت. این مسئله مسلم است و دلیل و مجادله لازم ندارد

ربطی ببخت و اتفاق ندارد. بله ممکن است یک نفر یاد و نافر بر حسب اتفاق کنجی یافته غنی شوند یا اموالشان سوخته فقیر گردند لکن دخلی بمطلب ما ندارد سخن ما در اشخاص نیست در ملت است. هیچ عاقل نمیتواند حکم کند که ملت انگلیس و اتانزونی و فرانسه بر حسب بخت و اتفاق صاحب ثروت شده اند و ایران و هند و افغان بر حسب تصادف بینوا و بی بضاعت گردیده اند.

در هر ماحسی که مردمش زیاد کار بکنند و از زحمت پهلوتی نمایند اموال و ثروت بالطبع زیاد میشود و در همان مملکت وقتیکه مردمش کم کار بکنند اموال بهمان نسبت کمتر میشود. پس اگر ما بخواهیم مملکت خود را آباد کنیم و صاحب ثروت شویم ناچار باید دامن همت بکمر زده بکار بچسبیم و بشغل مشغول شویم و مثل مردم همه دنیا خریدار زحمت و مشقت گردیم تا شاهد مقصود در آغوش آید. رفح نبرده گنج میر نمیشود و کار نکرده مزد بادم نمیدهند.

خوب علت کمی و زیادتی کار در ممالک مختلفه عالم چیست؟ چرا قومی از کار مسامحه میکنند و بر ثروت و مکت خود نمی افزایند و گروهی چهار اسبه در میدان کار میتازند و گوی سبقت از اهل عالم میرایند؟

جواب این سؤال آنستکه انسان در هر حال نفع خود را طالب است و برای هر زحمت آسودگی و رفاه خود را منظور میکند اگر کار را بر او بحد نافع خود نداند ممکن نیست اقدام در آن کار بکند پس در هر جا که مردم خاطر جمع هستند که آنچه کار بکنند حاصل کارشان مال خودشان خواهد بود و کسی دست نعدی بجانب مال آنها دراز نخواهد کرد. مردم آن نقطه برای قضاء حوائج معیشت بمیل و جهد بی کار میروند و مصدر اعمال مفیده گردیده صاحب اموال بیشمار میگردند و قهراً ترقی میکنند.

برعکس در مملکتی که مردم ببینند هر چه زحمت میکشند و پول جمع میکنند، دیگران بضرر جوب و چماق از آنها گرفته در عوض احترام و عزت خاقر را ذلیل و خوار مینمایند و بدون تقصیر و مجا که اخراج باد میکنند. سر می برند گوش و دماغ می برند تو سری میرتند ملکشانرا غصب نموشانرا بر باد میدهند و اگر اندک پولی دارند از ترس جباران و مستبدان و دزدان شب و روز خواب و آرام ندارند جان شان در معرض خطر است البته از کسب و کار دست میکشند و جز فقر و فلاکت و بی هنری و بی غیرتی در انملک هیچ اثری مشاهده نخواهد شد.

﴿ مشروطیت ایران ﴾

خوبی مشروطیت و بدی استبداد امروز در ایران

از مسلمات اولیه شده و قولی است که جملگی برانند چیزیکه هست خیالات و احتمالات مختلف که قسمی از وسواس شمرده میشود و در بعضی سرهای کم اطلاع پیدا میشود مثل اینکه بعضی گمان میکنند مشروطیت برای ایران زود است

عقیده بنده و همه اهل اطلاع که تکیه بر پایه محکم و دلیل متین دارد این است که ایران دیر مشروطه شد اگر زودتر شده بود خیالی خوب بموقع بود حالا هم که این نعمت دست داد دیر شد ولی موقع از دست نرفته بلکه وقت بسیار تنگ و موقع باریک بود ولی اگر بیشتر بتوق میافتاد بی اندازه مضر بلکه باعث اضمحلال ما میشد

اشخاصیکه میگویند مشروطیت برای ما زود بود دلیلشان این است که هنوز ملت ما عالم نیستند میبایستی صبر کرد تا عالم شوند حرف این اشخاص شبیه باین است که مسمومی در خواب داشته باشیم و بخواهیم باو تریاق بدهیم کسی بگوید حالا در خواب شیرین است بگذارید بیدار شود انوقت تریاقش بدهید غافل از اینکه تا از خواب بیدار شود زهر مهلک در خویش حل شده و کار وی را ساخته است امروز دشمنان این مملکت شب و روز در کارند که اساس استقلال ما را برچینند و ما را اسیر و بنده خود کنند اگر يك لحظه غفلت کنیم و یک دقیقه دست از کوشش بداریم کارمان خراب بماند از طرفی اب است پیش ازین سخن سخیف در خور التفات نیست برویم بر سر مطلب خود در اول مقاله گفتیم ایران اگر پیش از این مشروطه شده بود بسیار خوب و بموقع بود بچه دلیل ؟

باین دلیل که اگر در اول عهد ناصر اندین شاه این نعمت دست میداد و بنا میشد نمایندگان ملت در پایتخت حاضر باشند میرزا تقی خان امیر خیالات عالیه اش را بمشورت و تصویب وکلای ملت اجرا میکرد کسی نمیتوانست مانع اقدامات او شود و قشقه صحیحی را که برای اصلاح ایران کشیده بود ناتمام نمیگذارد آنوقت چه میشد ؟ مملکت افغان و بلوچستان خوارزم و صحرای ترکمان از دست ایران رایگان نمیرفت دولت ایران بزرگترین و مهمترین دولت آسیا میشد و تمام دول عالم ازو تعلق میگفتند

انوقت ایرانی که وقتی فرمانفرمای نصف عالم بود تو سری خور نمیشد تا امروز تمام ملت ما عالم تمام مملکتان آباد تمام مقاصد ما بر آورده و اخلاصان هم این طور فاسد نشده بود

اگر در زمان حاجی میرزا حسین جان سپه سالار این مطلب صورت گرفته بود قسمتی از بلوچستان و خاک

ترکمان و چندین فرسخ خاک در سرحد عثمانی و بحرین و جزایر اطرافش از دست ما بیرون نمیرفت و دو دولت قوی بنیسه مثل روس و انگلیس معمم محو و اضمحلال ما نمیشدند

اگر در آغاز سلطنت شاهنشاه مبرور که مظهر لطف و سایه عنایت گردگارش میتوانیم خواند در زمان صدارت مرحوم امین الدوله این خلعت ازادی به بکر هموطنان پوشیده میشد مملکتمان گرو نمیرفت و تجارنمان بکلی خراب نمیشد و اینطور شیراز مکارها از هم نمیباشید و ابروی دولت و ملت نمیریخت و باین اندازه عاجز و درمانده و محتاج نمیشدیم شاید بگویند حضور وکلای جاهل ملت در زمان میرزا تقی خان امیر چه فایده داشت چه رای صائبی میدادند جواب میگویم همانقدر فایده داشت که ملت را بادولت متفق میکردند و اسباب تقویت حامیان اصلاح بودند بلی اگر ملت بتوسط وکلای خود ناظر بر اعمال وزراء اعمال دولت بودند و خوب را از بد تشخیص میدادند هر کسی که بخمال اسایش ملت و رفع ظلم میافتاد منزوی و گوشه نشین یا باسبب بانی و دهری و جمهوری طرد و تبعید نمیشد

اگر ایران مشروطه نشده بود موقع میگذشت و شیشه امید ما بسنگ میخورد بچه دلیل ؟ باین دلیل که دو دشمن بیدار هوشیار داشتیم پیش از این باهم نزاع داشتند در سایه اختلاف آنها ما ظاهراً آسوده بودیم ولی قریب یکسال بود که این دو دشمن باهم دوست و نفاقشان مبدل باتفاق شده بود واضح بگویم با هم قرار گذاشته بودند مملکت ما را تقسیم کنند فقط معارضیکه داشته دولت آلمان بود او را هم یکقسمی راضی میکردند اگر این اتفاق رخ نداده و ملت بخمال حفظ خود نیفتاده بود بهر ترتیبی میشد بزر یا زور یا بتزویر کار خود را میکردند اگر تعارف را کنار بگذاریم دولت هم برای دفاع خود هیچ نداشت نه لشگری منظم نه وزرای دابای کاردان که اگر بقوه نظامی تواند برابری کند بهمین تدبیر و سیاست آنها کاری از پیش ببرد بنا برین معلوم است کار بکجا میرسید . . . گفتیم که ایران دیر مشروطه شده اگر راهی در پیش داشته باشیم و بتوانیم بموقع حرکت کنیم ناچاریم چون راه افتادیم تند برویم تا بوقت بمنزل رسیم البته ما که بقصد سر منزل رفعت و انتخاب در جاده تربیت و مدنیت قدم میزنیم و نمیخواهیم از یاران عقب مانده باشیم باید تند تر راه برویم و بهتر کار کنیم ملت با هزاران زحمت حقوق خود را ثابت نکرد و جمعی را از میان خود منتخب نمود بحفظ و رعایت آن برگماشت اصرار چه خود با کمال مواظبت

تکران است که حقوقش یا مال نشود اگر سر سوزنی در کارها اهمال یا تاخیر رود در اینموقع باریک و وقت تنگ هزاران فرسنگ این ملت بیچاره از ترقی عقب میمانند و گناه آن بگردن همان اشخاص است که ملت انتخاب کرده و بحفظ حقوق خود گماشته و از جان و مال برای حمایت و مساعدت آنها حاضر شد پس آن بزرگواران راست که حتی الامکان در احقاق حقوق ملت و ترفیع شان دولت و آبادی مملکت بکوشند و اینکار چند راه دارد که بعد از این به عرض خواهم رسانید

وقایع مراکش ترجمه از

روزنامه ما تن

حالت مراکش بسیار بد و اوضاع آن مملکت در نهایت اختلال است. اسباب اضمحلال این ملت و تمام شدن آنها از هر جهت فراهم. دولت ضعیف و بی قوه. مدعی سلطنت قوی. رعایا از طول مدت اغتشاش و کثرت ناامنی خسته و ملول. ایلات در باغی گری و سرسختی مصرو میرم دولت از تأمین عاجز

این روزها از ترس آنکه مبادا شورش و طغیان بعموم قبایل سرایت کند و سخت گیری زیاد اسباب تجری و جرئت سایر قبایل بشود سلطان مراکش بوزیر جنگ حکم داده که ایلات یاغی را دیگر متعرض نشود در چهارم آوریل گذشته بیست و چهار نفر رؤسای قبایل بسمت نمایندگی از طرف طایفه خود بوزیر مختار فرانسه مقیم مراکش پناهنده شده اند و مشارالیه مدتی مذاکره کرده تا برای آنها از دولت تأمین گرفته بقر خودشان مراجعت داده است (آیا بدیده عبرت در وقایع این مملکت اسلامی نظر میکنید و از حالات پریشان آن متنبه میشوید. و تکلیف حال و آتیه خود را استنباط میکنید یاخیر؟) لرد کرومر که مدت بیست و چهار سال بود در مصر بسمت و کالت سیاسی دولت انگلیس منصوب و در عرض این مدت خدمات نمایان بدولت متبوعه خود نموده اینروزها بمناسبت کسالت مزاج از کار خود استعفاء کرده (سیرالندن کورست) که سیاسی دان کافی است و از سال هزار و هشتصد و نود و هشت تا سال هزار و نهصد و چهار مستشار مالیه انمملکت بود بجای او برقرار شده است

حادثه ایالت فارس

روز یکشنبه گذشته متصل تلگرافات و شکایات بود که از شیراز میرسید علماء و اعیان و سایر طبقات ساکنین آن

شهر شیر بتلگرافخانه آمده بنوسط انجمن شیرازیان که در چندی قبل در طهران تاسیس یافته و اعضایش همه از علماء و طلاب و محترمین ایالت فارس هستند تلگرافات بی دریغ بمجلس محترم شورای ملی مخابره میکردند

اعضاء انجمن شیرازیان طهران نیز بمحارت بهارستان آمده متحصن و متظلم بودند خطابه های مؤثر و تطفهای رفت انگیز مفصل خوانده میشد.

سبب اختلال حرکات مستبدانه و غدارانه قوام الملک شیرازی و دو پسرش در آن ملک وسیع که با ثروت ترین ایالات ایران است گردیده. گویا بساط استبداد را که از ایران برچیده شده است مشارالیه در ایالت فارس دوباره بهین نموده انواع اعمال و حشیانه و حرکات ظالمانه را خود و کسانش مرتکب میشوند حتی بعلماء اعلام و حجج اسلام فارس نیز نهایت توهین و ستم وارد آورده بعضی را باجبارکشان کشان بمحل استبداد برده و بعضی دیگر رامحضور بلکه محبوس نموده است از قراریکه مذکور داشتند جناب حجة الاسلام آقای میرزا ابراهیم را در حمام محاصره کرده است عدّه در اینواقعه مجروح و زخمدار شده اند و بیم اغتشاش بزرگ است

حاجی میرزا نصرالله ملک انتمکلمین در حضور انجمن شیرازیان و جمعی از تماشاچیان که در صحن عمارت بهارستان فرش کسترده نشسته بودند خطابه شایانی خوانده قوام را اول مستبد ایران عمرد زیرا که او اول کسی است که با حکام مجلس مقدس شورای ملی بی اعتنائی کرد او اول کسی است که بجهت مداخله در امور انسامان رشوه داد و بی اطلاع و کلاء حرکت کرد. خلاصه روز یکشنبه هنگامه غریبی در شیراز بود بنحویکه صدایش طهران را نیز بفریاد آورد رفت از شنیدن تلگرافات بحضار دست داد.

بالاخره تاب تحمل این ظلم را نیاورده جدا از وکلاء محترم و حجج اسلام که در مجلس حضور داشتند رفع غائله و عزل قوام را مطالبه کردند کار بالا گرفت و حوصله نبریز شد ناچار راه مراجعت وکلاء بلکه تمام مردم را مسدود نمودند که تا این ظلم را رفع ننمایند ممکن نیست دامان شمارا رها کنیم و بگذاریم از مجلس بیرون روید. بالاخره مجلسیان عزل قوام را صلاح دیدند و رفع غائله و عزل مشارالیه را بوزارت داخله اعلام کردند بهر نوع بود خلق را ساکت نمودند تا بعد چه شود هر چه واقع شد عرض خواهیم کرد